ایران

سال یازدهم ـ شماره ۳۱۷۲
شنبه ۴ تیر ماه ۱۳۸۴
۱۸ جمادی الاول ۱۴۲۶
۲۴ صفحه ـ ۶۰۰ ریال
به همراه ۳۲ صفحه ایران پیام
ویژه استان تهران
IRAN - NO. 3172. Jun. 25. 2005
ISSN 1027 - 1449
Keytitle: IRAN(Tehran)



شجریان
با گل‌های
رادیو در بازار
موسیقی

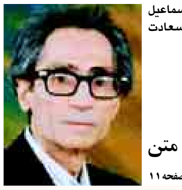
صفحه آخر



گفت و گو با
علیرضا علوی تبار

ارزیابی
راه و رفتار
روشنفکری
دینی

صفحه ۱۰



درباره اسماعیل
سعادت

دقایق متن

صفحه ۱۱

سکه بهار آزادی (طرح قدیم) ۱۱۸۰۰۰۰ ریال
سکه بهار آزادی (طرح جدید) ۹۶۵۰۰۰ ریال
نیم سکه بهار آزادی ۴۹۰۰۰۰ ریال
ربع سکه بهار آزادی ۳۱۰۰۰۰ ریال
طلای ۱۸ عیار (مثقال) ۴۴۰۰۰۰ ریال
طلای ۱۸ عیار (گرم) ۹۵۵۰۰ ریال
دلار آمریکا ۸۹۸۰ ریال
یورو ۱۰۸۹۰ ریال
پوند انگلیس ۱۶۴۰۰ ریال
ریال سعودی ۲۳۹۷ ریال
درهم امارات ۲۴۴۷ ریال
دلار کانادا ۷۳۱۲ ریال
یکصد ین ژاپن ۸۳۰۹ ریال
شاخص قیمت کل سهام ۱۲۴۹۵/۵
تغییر شاخص(هفتگی) ۳۲ واحد

مقام معظم رهبری:

همه موظفیم رئیس جمهور منتخب را یاری کنیم

- به مجریان و ناظران اعتماد دارم و امیدوارم انتخابات سوم تیر به بهترین وجه برگزار شود
- از مجریان و ناظران درخواست می کنم بدون جانبداری و دخالت دادن امیال خود، رأی مردم را بگیرند و آن را ثبت و اعلام کنند

صفحه ۳

مخالفت ابراهیم جعفری باخروج نیروهای ائتلافی از عراق

زمان محاکمه صدام دیکتاتور سابق عراق فرارسیده است

صفحه ۵

سازمان سنجش مجازات های تخلف و تقلب در کنکور ۸۴ را اعلام کرد

۱۰ سال محرومیت برای متخلفان کنکور

- داشتن وسایل غیرمجاز، صحبت با دیگر داوطلبان، شرکت به جای داوطلب دیگر، عدول مسؤولان جلسه یا مراقبان و دیگر عوامل اجرایی از وظایف و تبانی با داوطلبان، مهم ترین تخلفات آزمون سراسری به شمار آمده و داوطلب برحسب مورد از امتحان محروم و از ثبت نام و شرکت در آزمون های بعدی از یک تا ۱۰ سال محروم خواهد شد

صفحه ۴

پس از یک رقابت نفس گیر برای انتخاب رئیس جمهور در سراسر کشور شکل گرفت

ایران در انتظار یک نام

گروه سیاسی ـ جواد دلیری: ایران دیروز انتخاباتی متفاوت را تجربه کرد. انتخاباتی که در آن شوق و شور و اضطراب به هم آمیخته بود. صندوقهای سوم تیر خاطره هایی نو به یادها سپردند از جد و جهد انسانهایی که برای تغییر نتیجه یک مسابقه سیاسی تمام توان خود را به صحنه آوردند.

روز سوم تیر، هر ایرانی در جایگاه یک ناظر، یک خبرنگار و یک دیده بان نشسته بود. به مخابره لحظه به لحظه فضای انتخابات می پرداخت و با سر کشی و حضور بی قفه در پای صندوقها حریم رقابت و رأی گیری را مراقبت می کرد.

انتخابات دیروز در حاشیه خود، وقایع مهمی از کشاکش دو جریان فعال را به ثبت رساند. یک سو جریانی که عزم آن داشت رقابت و رأی گیری در چارچوبی قانونمند برگزار شود، سوی دیگر، جریانی که باعبور از مرزهای قانون و آداب رقابت به شیوه هایی منسوخ برای محدود کردن دایره انتخاب و اراده رأی دهندگان دست می یازید.

سوم تیر برای مجریان و ناظران انتخابات نیز تجربه ای نو و آزمونی تازه بود. کارگزاران اجرایی انتخابات برای اولین بار به مواجهه همه سویه با ناهنجاریهای رقابت انتخاباتی پرداختند.

آنها علی رغم تمهیداتی که از فردای ۲۷ خرداد و در پی بروز برخی شبهات و اعتراض ها نسبت به دخالت نهادها و نیروها اندیشیده بودند با پدیده ای به نام حضور افراد غیر مسؤول در حوزه های رأی گیری روبرو شدند، افرادی که تحت عناوین مجهول سعی در اخلال در روند مشارکت آزادانه افراد و تأثیر گذاری بر رأی شهروندان داشتند. کوشش نمایندگان دولت برای زدودن آخرین رسوبات رفتار غیر قانونی این پیام را در بر داشت که دستیابی به الگوی مطلوب انتخابات رنج و هزینه هایی افزون می طلبد.

بقیه در صفحه ۲





عکس ها: خبرگزاری فارس

خاتمی:

اگر تخلف ها براصل انتخابات تأثیر بگذارد برخورد خواهد شد

- متأسفانه در طول این مدت پیش از انتخابات یک نوع تخلف ها و خلاف اخلاق کارهایی می بینیم که ممکن است روی اندیشه مردم اثر گذاشته باشد
- مردم برای تمام آنچه به دست آورده اند و برای آنچه که باید به دست بیاورند تلاش کنند

صفحه ۳

سرمقاله

راه کدام است؟

دیگر زمان برای سخن گفتنی که شائبه جانبداری از یک نامزد را داشته باشد گذشته است. اکنون انبوه برگه های رأی در چنگ مجریان و پیش چشم ناظران انتخابات است تا بخوانند و بشمارند و نام بختیار نامزد پیروز را تا ساعاتی دیگر بر سکه بخت ضرب کنند. به پایان بازی، کمتر از یک روز باقی است. بازیگران، تدبیر و ترفندهای خود را به کار بسته و تماشاگران (مردم) رأی خود را اینک به صندوق ریخته اند. داوران (مجریان و ناظران) اما هنوز کار را به پایان نبرده اند و ساعاتی پس از این، ختم نهایی بازی رقم خواهد خورد. به این اعتبار حالا می توان با خیالی آسوده تر و در فضایی فراخ تر نوشت بی آنکه انگ و اتهام جانبداری مؤثر در میان باشد.

صندوق ها امروز میزبان دو نام، دو راه، دو برنامه و دو تجربه هستند. نام اکبر هاشمی رفسنجانی که درست یا غلط نماد عملگرایی و توسعه گرایی پنداشته می شود به آسانی و به راحتی در کنار نام محمود احمدی نژاد که حق یا ناحق نماد ارزش گرایی و اصولگرایی دانسته می شود، نشسته است. صندوق رأی اینک از فرط تحمل و مهربانی نام هر دو را در آغوش خود دارد. بر این اساس نظام سیاسی ما که نشانه و نماد فیزیکی دموکراسی - صندوق رأی - را پذیرفته است لاجرم باید نشانه ونماد متافیزیکی آن - تحمل و مدارا - را پیشاپیش پذیرفته باشد. حکم رفتار دموکراتیک است که از میان هاشمی و احمدی نژاد هر یک گوی توفیق را به چنگ آورد، راه را بر رقیب و سایر رقیبانی که پیشتر از گردونه رقابت ها خارج شدند، نبندد. نظام سیاسی ما باید از گشاده رویی و رواداری صندوق ها درس تحمل و مدارا بیاموزد، خواه نامزد اصولگرایان در مسند ریاست بنشیند یا نیروی توسعه گرایان بر کرسی صدارت تکیه بزند. گویا بیرون از این دو راه، انتخاب دیگری متصور نیست. همه کسانی که قبلاً به چیزی غیر از این دو راه می اندیشیدند اکنون به اردوی یکی از این دو رقیب پناه آورده است. دیگر از راه میانبر کمتر صحبتی شد. از نشستن و به راه درنیامدن هم کمتر از این سخن به میان آمد. فردا در کدام یک از این دو راه گام خواهیم نهاد؟

خوب یا بد. اکنون مجموعه انرژی سیاسی کشور در قالب دو قطب عمده متراکم شده است. هاشمی رفسنجانی که روزگاری مرز برجسته ای با بسیاری از نیروهای تحول خواه داشت اکنون تندترین منتقدان خود را در حلقه حامیان خود می بیند. جمع کثیری از روشنفکران، پاره های مهم و مؤثری از رجال دینی و علمای دینی و حوزوی، بخش قابل توجهی از کانون های فعالیت دانشجویی و حجم معتنابهی از جوانان، زنان، اقلیت ها، قومیت ها و ... به اردوی او در پیوسته اند. آن سوی میدان معرکه، احمدی نژاد توانست طیف گسترده ای از طبقات فرودست اجتماعی و اقتصادی را همراه خود کند، حاشیه نشین ها را به خود و برنامه های خود علاقمند سازد، لایه های متنوع ارزش گرایان را به یکدیگر نزدیک کند، حمایت بخش هایی از بدنه حوزه های علمیه و طلاب جوان و ائمه جماعات را جلب نماید و در مجموع جبهه ای هم وزن جبهه هاشمی و یارانش ترتیب دهد.

از این رو، یکی پیروز است و دیگری محروم. کسی که پیروز است در معرض این خطر است که یکه تازی پیشه کند، نخوت پیش بگیرد، احساس استغنا کند. درحالی که شایسته است نه از وجوه سلبی آرای خود غفلت کند، نه محاسن برنامه های رقیب را نادیده بگیرد و نه به نیازهای حامیان قطب بازنده بی التفات باشد. درست است که نامزد پیروز، روی شانه های حامیان خود بالا رفته است اما وقتی ریاست را به کف آورد سایه حکمرانی اش بر سر همه - پیروز و بازنده - خواهد افتاد.

پیروز اگر احمدی نژاد باشد

محمود احمدی نژاد در قریب به یک ماه گذشته هیچگاه میثاق و منشوری ارائه نکرد. برنامه داشت، شعار داشت، آرمان داشت، وعد و وعید داشت اما میثاق و منشور نداشت. با این همه در خلال آنچه در دوران رقابت گفت، انتظاراتی را برانگیخت. از تحول خواهی بر پایه عقلانیت و معنویت حرف زد. از دولت کارآمد و عدالت گستر سخن گفت. از سلامت مدیران و تواضع در برابر مردم خبر داد. پیشگیری از بروز شکاف دولت - ملت را وعده داد. به تشکیل دولت مکتبی و دولت اسلامی بشارت داد. از عدم تعهد به هیچ حزب و دسته ای سخن گفت. گفت که به دنبال تثبیت هویت و تقویت آرمان خواهی و برائت از ایده آلیسم است. بر اهمیت گفتمان خدمت به جای قدرت تأکید گذاشت. علمی کردن مدیریت و ایجاد اعتماد متقابل میان مردم و حاکمیت را وعده داد. بر رفع تورم از طریق کاهش هزینه های دولت و کاهش سود بانکی اصرار کرد. آزادی را روح انقلاب و مشارکت و دخالت مردم را سرشت نظام دانست. بسط توسعه سیاسی از طریق بالا بردن قدرت نقد و مشارکت مردم را صحه گذارد. وعده داد که بر اولویت تولید داخلی همت خواهد کرد. گفت که برای ۵ سال، یک درصد از بودجه کل کشور را به جوانان اختصاص خواهد داد. قول داد که دست خود را برای خدمت به مردم به سوی همه گروهها و افراد صادق وخالص - از همه جناحها - دراز خواهد کرد. امنیت سرمایه و سرمایه گذار را مهم دانست. وعده کرد که دولت برای حل مشکلات بخشی، در هر استان دو روز خیمه خواهد زد. کاهش تصدیگری دولت را مورد تأکید قرار داد. به بالندگی فرهنگ کشور از طریق تقویت هویت ملی و تاریخی و اسلامی ایران توجه نشان داد و...

شاید کسانی که به او رأی «آری» دادند، فرض را بر این گذاشتند که او این برنامه ها را عملی می داند و اراده معطوف به اجرای آنها را نیز دارد. مجموعه گفته های او از خاطره سیاسی مردم محو نخواهد شد. اگر او منصب ریاست جمهوری را در چنگ بگیرد، از روز اول در معرض مطالبات انبوه ملت خواهد بود. او خود پیش از این بارها دولتهای قبل را مورد انتقاد قرار داده بود که سفره مردم از تصمیمات و پیشرفتهای دولتها، نصیب و بهره ای نداشته است. آیا احمدی نژاد خواهد توانست آنچه گفته و وعده داده است را به اجرا درآورد و سفره ای رنگین تر و پررونق تر مهیا کند؟ آیا پاره ای حامیان تندروی او اجازه خواهند داد که از او انرژی و تجربه رقیبان خود بهره بگیرد؟ آیا او رئیس جمهوری کارآمد، عدالت گستر، آزادیخواه، بانشاط، شادی آور و مایه وحدت و انسجام ملی خواهد بود؟ تا پاسخ به این پرسشهای مردم، زمان زیادی نمانده است.

پیروز اگر هاشمی رفسنجانی باشد

اکبر هاشمی رفسنجانی تنها به این اکتفا نکرد که برنامه ها و ایده های خود را با مردم در میان بگذارد. او شاید بنابر تجربه ای که از دوران قبلی مسؤولیتش به دست آورده بود، ترجیح داد میثاقنامه ای با مردم عقد کند، میثاقی که اگرچه فقط امضای او را داشت و طرف دوم - مردم - امضایی پای آن ننشاند، اما حکم یک قرارداد دوجانبه و متقابل را دارد. او در این میثاق که ۱۴ فصل داشت، مجموعه برنامه ها و راهکارهای تازه خود را گنجاند. او که با شعار «همه با هم کار برای سرافرازی ایران» به میدان آمده بود، بر پرده دوم عصر سازندگی با تکیه بر تجربیات عصر اصلاحات تأکید کرد. هاشمی نوید استقرار تفکر اعتدال در عرصه منازعات سیاسی کشور را داد. در مقام احصای اولویتهای کاری خود به پنج مورد اشاره کرد. زدودن فقر و استقرار عدالت اجتماعی از طریق ارتقای سطح معاش اقشار زیر خط فقر و مناطق محروم و روستاها را هدف گرفت. در مسیر گسترش چتر تأمین اجتماعی عام، تأمین مسکن، غذا، تحصیل، درمان و بیمه بیکاری و بهبود وضعیت معیشت کارگران و کارمندان را بر دوش خود فریضه دانست. حفظ و پاسداشت آزادیهای سیاسی و اجتماعی و توجه به حقوق زنان و افزایش روحیه نشاط و شادی جوانان را وعده داد. ایجاد اشتغال و مبارزه با تورم را از طریق تأمین امنیت سرمایه و رونق اقتصادی بشارت داد. گفت که در اندیشه گشودن راهی نو در تعامل جهانی به منظور کم کردن مشکلات و بهره گیری بیشتر از امکانات خارج از دسترس کشور و دسترسی به فضایی مناسب برای معرفی ارزشهای اسلام، ایران و انقلاب و تحکیم صلح و امنیت در منطقه برای اعتلای کشورهای اسلامی و مطلوب نمودن فضای همکاری است. بهبود وضعیت بیمه بیکاری و رسیدگی به خانواده های زیر خط فقر را وعده داد. بر آزادی فعالیتهای هنری و فرهنگی و اعتماد به اصحاب فکر و اندیشه تأکید کرد. اختصاص ۱۰ میلیون تومان سبد سهام از پروژه های بزرگ ملی به خانواده های ایرانی را معرفی کرد. به توان و لیاقت زنان برای کسب کرسی های مدیریتی اعتراف کرد. تأکید نمود که با سلیقه واحد سیاسی نمی توان کشور را اداره کرد. از طرح آشتی فراگیر سخن گفت. ائتلاف ملی همه معتقدان به اسلام، انقلاب و ایران را ضروری و مبارک دانست. بر حیات شرافتمندانه مسلمان ایرانی صحه گذاشت. عدالت اجتماعی، خدمت به محرومان، توسعه همه جانبه و متوازن را لازم دانست. از تهدید دو ضلعی تحجر و ریاکاری خبر داد و مانع جدی توسعه کشور را این دانست. دانشجویان را به حضور فعال در صحنه ها فراخواند. گفت که در مسائل جهانی، حرکات حماسی دیگر چاره ساز نیست. به رسمیت شناختن آزادی مطبوعات و روشنفکران و منتقدان بر محور قانون را وظیفه دولت دانست. انتقاد را امری لازم و فارغ از پیگرد به شمار آورد. بر ایستادگی در برابر اقدامات فراقانونی نهادهایی چون شورای نگهبان تأکید کرد. خود را ادامه دهنده حرکت اصلاحات معرفی کرد. دخالت در حریم خصوصی افراد را شرعاً، عرفاً و قانوناً نابجا دانست و ...

هاشمی در سایه این سخنان، حمایت جمع کثیری را جلب کرد. حتی کسانی که روزگاری وی را محل شماتت و سرزنش قرار می دادند به اتکای نظرات نوین او به تجدید نظر روی آوردند و در حلقه حامیانش نشستند. از جهتی برای هاشمی بسیار ساده خواهد بود که به این وعده ها جامه تحقق بپوشاند چرا که او خود در سنخ شناسی روحانیون، در طیفی جای می گیرد که نوگرا بوده و به امکان تلفیق ارزش های مدرن با آرمان های دینی باور دارند. اما از جهت دیگر این پروژه، دشواری های ویژه ای پیش روی او خواهد نشاند. به هر روی، هاشمی اگر در مسند و موضع ریاست جمهوری بنشیند توده متراکمی از مطالبات در برابرش صف خواهد کشید، مطالباتی که هر یک از طیف و طایفه ای از حلقه متکثر حامیانش، بی آنکه سهمی از قبل خواسته باشد برآمده است. آیا او به میثاقی که با مردم و فعالین سیاسی بسته است ملتزم خواهد بود؟

چشم به راه سرنوشت

تنها چند ساعت تحمل می خواهد تا تکلیف ایرانیان روشن شود. راه و رفتار هاشمی از جهات عدیده ای با راه و رفتار احمدی نژاد متفاوت است. به این اعتبار با پیروزی هر یک از این دو ترتیب و توالی وقایع آتی ایران دگرگون خواهد شد. با این همه چه از دل صندوق های مهربان و با تحمل، نامزد جوان بیرون بیاید یا نامزد پا به سن گذاشته، چه پیروز نهایی معمم باشد یا مکلا، چه اصولگرایی، حاصل رأی ملت باشد یا توسعه گرایی، چه بخت با نیروی تازه نفس باشد یا با نیروی با تجربه، چه ارزشگرایی برنده انتخابات باشد یا عملگرایی، برنامه ها و میثاق ها در معرض قضاوت و داوری مردم است. هر دو بر حق انتقاد ملت نسبت به دولت صحه گذاشته اند.

هر دو بهبود معیشت مردم را نشانه رفته اند. هر دو بر دوری از تمایلات حزبی و جناحی تأکید گذاشته اند. هر دو بر شأن و اهمیت زنان و جوانان اقرار کرده اند. هر دو ... به این اعتبار هر دو در معرض نگاه پرسشگر و پردازشگر مردم و نخبگان هستند. جامعه ایرانی در هشت سالی که زیر سایه پروژه اصلاح طلبی روزگار گذرانده، دیگر عادت کرده است که حاکمان را در کسوت خدایان نبیند. دیگر خو کرده است که به هنگام نقد دولتمردان، دست و دلش نلرزد. دیگر انس گرفته است که حقوق شهروندی اش را ارزان و آسان نفروشد. دیگر متقاعد شده است که آزار و تحقیر روشنفکران را نپذیرد. دیگر راضی شده است که معیشت مهم است اما کرامت انسانی مهم تر است. دیگر ایمان پیدا کرده است که حکومتی که مردم را بیگانه و نامحرم بداند ماندنی نیست. دیگر باور یافته است که اصلاح طلبی، شکیل ترین و شیواترین راهکار تحول است. از پس خاتمی آمدن و پای در رکاب اسب قدرتی نهادن که تا چندی پیش نشیمنگاه خاتمی بود، برای کسی که امروز نامش از صندوق بیرون می آید هم آسان است و هم سخت. آسان است چرا که راه کوفته و مسیر ناهموار مردم سالاری را خاتمی مهیا کرد. سخت است چرا که جانشین و جایگزین کسی شدن که کرامت شهروندان را به ایشان بازگرداند، راه و رفتار دیگری می طلبد. خاتمی، مردم را عوض کرد. بنابراین حکمران جدید هم باید خود را عوض کند. خاتمی، ایرانیان را بلند نظر و ـ البته بد عادت ـ کرده است.

علیزاده از پیشنهاد جدید برای رفع مشکل توقیف مطبوعات و نبود هیأت منصفه خبر داد

گروه سیاسی: رئیس کل دادگستری استان تهران بیان کرد که پیشنهادی را مطرح کرده که اگر مورد تأیید رئیس قوه قضاییه قرار گیرد، مشکل نبود هیأت منصفه و توقیف روزنامه ها رفع می شود.

به گزارش ایسنا، حجت الاسلام عباسعلی علیزاده در کنفرانس مطبوعاتی که به مناسبت هفته قوه قضاییه در روز پنجشنبه برگزار کرد، با تشکر از رسانه های گروهی، اظهار داشت: کار رسانه های گروهی زمان و مکان نمی شناسد و از اهمیت ویژه ای برخوردار است. البته کار شما به معنای واقعی کلمه دارای استرس است.

علیزاده از تشکیل ستاد حقوق بشر در دادگستری استان تهران خبر داد و تصریح کرد: در این ستاد به حقوق بشر اسلامی توجه می شود، نه آنچه که دنیا می گوید.

وی اظهار داشت: در این ستاد تمام موارد حقوق بشری که نقض شده را بررسی می کنیم. ما به دنبال شخصیت دادن به افراد و حفظ کرامت انسان ها در سراسر کشور هستیم. اعضای این ستاد هفت نفر از مسؤولان هستند و به پرونده هایی که در این زمینه وجود داشته رسیدگی می کنیم.

وی با انتقاد از این که برخی کاندیداها برای بیان برنامه های خود خدمات ۲۶ ساله نظام را به گونه ای دیگر مطرح کردند، اظهار داشت: مطبوعات در جهت تحکیم قانون، جمهوری اسلامی و حفظ کرامت اسلامی و حقوق شهروندی هستند و اگر یک مقاله نوشته شود که اشتباه باشد، به خاطر یک بی نماز که در مسجد را نمی بندند.

رئیس کل دادگستری با تأکید بر اینکه دستور بر این است که با مطبوعه ای برخورد نشود بلکه با متخلف یا مدیر مسؤول برخورد شود، خاطرنشان کرد: درحال حاضر دستگاه قضایی بهترین تعامل را با رسانه های جمعی دارد. این دستور کلی است. ما زمانی در یک شب چندین روزنامه را بستیم اما الان این گونه نمی شود مگر اینکه همه تصمیم بگیرند که با هم علیه جمهوری اسلامی کار کنند که این محال است.

خبرنگاری از رئیس کل دادگستری پرسید چرا اگر درباره روزنامه اقبال شکایتی وجود داشته از ابتدا به آنها اعلام نشده است و چرا دادستان از روزنامه ها خواستند تا این خبر را استفاده نکنند؟ خاطرنشان کرد: برخی اوقات کارها دوستانه انجام می شود شاید هدف در این موارد این باشد که جامعه ملتهب نشود. ما با روزنامه ها همانطور که تأکید کردم، تعامل داریم، مرتضوی معتقد است اگر این کار می شود در جهت تعامل است و قراری است که با خود آنها گذاشتیم.

خبرنگار ایسنا از علیزاده پرسید آیا این پیشنهاد تنها مربوط به مطبوعات توقیف شده است یا مطبوعاتی که می خواهند توقیف شوند هم شامل می شود که وی گفت: همه این مسائل را در بر می گیرد. ما بیشتر از شما به دنبال حل این مشکل هستیم.